

مطالعات حقوق تطبیقی

دوره ۸، شماره ۲

پاییز و زمستان ۱۳۹۶

صفحات ۵۸۳ تا ۶۰۶

حمایت از حق تغذیه کودک با شیر مادر در اسلام و نظام

بین‌المللی حقوق بشر

شهرام زرنشان

استادیار حقوق بین‌الملل، گروه حقوق دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

(Email: sh.zarneshan@basu.ac.ir)

احمد رضوانی مفرد*

استادیار فقه و حقوق، گروه الهیات دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۴/۰۵ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۶/۲۵)

چکیده

اگرچه جامعه بین‌المللی، دولت‌ها، نهادهای حقوق بشری و غیره همواره بر اهمیت تغذیه با شیر مادر تأکید دارند و آن را صرف نظر از سلامتی کودک برای سلامتی مادر نیز مؤثر می‌دانند، به نحوی که بنا به تحقیقات پزشکی فرایند شیردهی مانع بروز بسیاری از بیماری‌ها در مادران و نیز کودکان می‌شود، این نوع تغذیه چه به‌عنوان حق کودک و چه به‌عنوان حق مادر در هیچ سند حقوقی الزام‌آوری به‌صراحت به‌رسمیت شناخته نشده است. در تمامی اسناد حقوق بشری بر سلامتی انسان‌ها و تغذیه مناسب به‌عنوان یک حق بنیادین تصریح شده و حتی از نقض آن به‌عنوان یک «جنایت بین‌المللی» (ماده ۷ (بند ۲-ب) و ماده ۸ (بند ۲-۲۵) اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی) یاد گردیده و در نظام‌های حقوقی مختلف از جمله نظام حقوقی اسلام نیز مقررات خوبی برای حمایت از این امر وضع شده است، اما تأکید خاص بر «حق تغذیه کودک با شیرمادر» به‌عنوان یک حق بشری صرفاً در حد دکترین و اسناد حقوقی غیرالزام‌آور باقی مانده است. دیدگاه‌های فمینیستی نیز در طول دهه‌های گذشته چالشی دیگر بر این موضوع بوده است.

واژگان کلیدی

اسناد بین‌المللی، تغذیه کودک با شیر مادر، حقوق بشر، سلامت.

مقدمه

تکوین و رشد انسان از نظر فیزیولوژیک به مادر وابسته است. جنین انسان برای اینکه شرایط زیست در دنیا را پیدا کند در شرایط خاص دست کم ۶ ماه و در حالت معمولی ۹ ماه را در رحم مادر می‌گذراند و پس از تولد نیز برای اینکه شرایط تغذیه را به دست آورد، حداقل ۶ ماه از شیر مادر تغذیه می‌کند. تغذیه کودک با شیرمادر «Breastfeeding» به خصوص در شش‌ماهه نخست زندگی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بر اساس نتایج حاصله از پژوهش‌های پزشکی، تغذیه با شیر مادر تأثیر بسیار مهمی بر سلامتی کودک در طول زندگی دارد و حتی فرد را در دوران نوجوانی و بزرگسالی نیز در برابر برخی بیماری‌ها مقاوم می‌کند. از نظر مواد غذایی شیر مادر کامل‌ترین ماده غذایی به شمار می‌رود و به‌ویژه ترکیبات آن در هفت روز اول شیردهی حاوی ایموگلوبولین «Imoglobulin» (مواد ضد میکروب) است که سبب حفاظت از روده نوزاد می‌شود (فیض، ۱۳۸۹، ص ۳۱۲-۳۱۰).

به منظور توجه دادن به جامعه بشری، سازمان بهداشت جهانی و یونسف اول تا هفتم اوت (۱۰ تا ۱۶ مرداد) را همه ساله هفته جهانی شیر مادر نام‌گذاری کرده‌اند.^۱ هدف از این نام‌گذاری ترویج و توسعه تغذیه انحصاری نوزادان با شیرمادر است. به این ترتیب، از نظر سلامتی و کمال رشد جسمانی برای کودکان تغذیه با شیر مادر بسیار دارای اهمیت است و به همین دلیل نیز می‌توان این نوع تغذیه را برای انسان تا زیر دو سال به‌عنوان یک حق بشری قلمداد کرد. باید اذعان داشت اگرچه جامعه بین‌المللی، دولت‌ها، نهادهای حقوق بشری و... همواره بر اهمیت تغذیه با شیر مادر تأکید دارند و آن را صرف نظر از سلامتی کودک برای تندرستی مادر نیز مؤثر می‌دانند و اساساً به پشتوانه همین امر ما از آن به‌عنوان یک «حق» یاد می‌کنیم، با وجود این، تغذیه با شیر مادر چه به‌عنوان حق کودک و چه به‌عنوان حق مادر در هیچ سند حقوقی الزام‌آوری به‌صراحت به رسمیت شناخته نشده است.

اگرچه در تمامی اسناد حقوق بشری بر سلامتی انسان‌ها و تغذیه مناسب به‌عنوان یک حق بنیادین تصریح شده و حتی از نقض آن به‌عنوان یک «جنایت بین‌المللی» «International Crime» (ماده ۷ (بند ۲-ب) و ماده ۸ (بند ۲-۲۵) اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی) یاد شده است، تأکید خاص بر «حق تغذیه کودک با شیرمادر» به‌عنوان یک حق بشری صرفاً در حد دکتترین و اسناد حقوقی غیرالزام‌آور باقی مانده است. دیدگاه‌های فمینیستی نیز در طول دهه‌های گذشته چالشی دیگر بر این موضوع بوده است. با مروری بر قوانین برخی نظام‌های حقوقی و مقررات مختلف حقوق بشری به‌خوبی شاهد

۱. نام‌گذاری هفته جهانی شیردهی برای اولین بار در سال ۱۹۹۲م صورت گرفت.

حمایت این نظام‌ها از مسئله شیردهی مادران (البته بیشتر در حوزه زنان شاغل) و لزوم فراهم آوردن شرایط و امکانات لازم برای تحقق این امر خواهیم بود. کنوانسیون حقوق کودک نیز به‌عنوان مهم‌ترین سند بین‌المللی حوزه حمایتی کودکان در ماده ۲۴ خود بر لزوم بهره‌مندی کودکان از مزایای تغذیه با شیر مادر به‌منظور ارتقای بهداشت و سلامت کودک تأکید داشته، اما به این نوع تغذیه به‌عنوان «حقی مسلم برای کودک» اشاره‌ای نکرده است. در ادامه ضمن بررسی برخی قوانین حمایتی در این زمینه و به‌طور خاص در نظام حقوقی اسلام و برخی اسناد بین‌المللی حقوق بشر به بررسی این امر خواهیم پرداخت که بر اساس چه ضرورت‌هایی و به چه نحو می‌توان انعکاس صریح عنوان «حق تغذیه کودک با شیر مادر» را در ادبیات حقوقی الزام‌آور مشاهده نمود.

تبیین مبنایی حق تغذیه کودک با شیر مادر

همان‌طور که اشاره شد، از تغذیه با شیر مادر برای کودک تا زیر دو سال می‌توان به‌عنوان یک حق بشری یاد کرد. اگرچه اسناد الزام‌آور حقوق بشری در این خصوص تصریحی ندارند و رویه قضایی مراجع قضایی و شبه قضایی نیز تاکنون منعکس‌کننده بحثی در این خصوص نبوده‌اند، اما با شرح برخی توضیحات مبنایی مسلماً کاربرد عبارت «حق تغذیه کودک با شیر مادر» بپیراه نخواهد بود.

در باب تعریف حق به‌طور کلی دو نظریه عمده وجود دارد که به نظریه اراده یا انتخاب، و نظریه منفعت معروف‌اند. ایمانوئل کانت و جرمی بنتام از معروف‌ترین قائلان به این نظریه‌ها هستند. بی‌شک اگر به نظریه اراده معتقد باشیم به‌سختی می‌توانیم از حق بودن این مسئله (تغذیه با شیر مادر) سخن بگوییم، زیرا باید اراده‌ای وجود داشته باشد که تضمین گردد و کودک فاقد چنین اراده‌ای است. در چارچوب این نظریه «تنها هویتی می‌توانند صاحب حق باشند که از یک اراده مستقل برخوردارند چراکه ابتدا وجود هویت صاحب اراده، بالغ و مستقل فرض گرفته شده و سپس حمایت از آنها بر دوش حق‌ها گذارده شده است. به بیانی روشن و دقیق، از این منظر تنها انسان‌های بالغی که قدرت اتخاذ تصمیم‌های ارزشی را دارند می‌توانند صاحب حق باشند» (راسخ، ۱۳۸۷، ص ۱۵۶). اما در نظریه منفعت که معتقد است حق یعنی منفعت تضمین‌شده می‌توان از حق بر تغذیه با شیر مادر سخن گفت، زیرا منفعتی در این بیان مطرح است که آن «سلامت کودک» است. به این ترتیب، در اینجا «حق در راستای حفظ و حمایت از یک سود و منفعت مطرح می‌شود که با هدف تضمین یک منفعت بنیادین برعهده دیگران تکلیف می‌گذارد» (راسخ، ۱۳۸۷، ص ۱۵۶).

نظریه نفع‌مدار یا مبتنی بر منفعت «Utilitarianism»، یکی از نظریات مؤثر در توجیه مبنای حق محسوب می‌شود و از جمله بارزترین نمونه دیدگاه‌های نتیجه‌گراست. در چارچوب این نظریه ملاک ارزیابی موجه بودن عمل یا قاعده، میزان نفع یا به عبارتی میزان شادکامی و لذتی است که آن عمل یا قاعده به دنبال دارد. شادکامی و لذتی که نفع‌مدارانی چون جرمی بنتام از آن سخن می‌گویند، شامل ثروت، قدرت، دوستی، شهرت، آوازه‌نیکو، علم و معرفت است. به سخن دیگر، نظام حقوقی‌ای موجه است که بیشترین نفع را متوجه بیشترین افراد جامعه نماید (سید فاطمی، ۱۳۸۱، ص ۱۶۲-۱۶۱) در بحث حاضر، نگارندگان نه تنها از این نظریه برای توجیه مبنایی «حق بودن» تغذیه با شیر مادر بهره برده‌اند، بلکه در همین چارچوب با توجه به ضرورت‌های تغذیه مناسب برای طفل - که در کنوانسیون حقوق کودک نیز بر آن تصریح شده است - و با تکیه بر حقوق بنیادین تثبیت شده چون «حق بر سلامت» و «حق حیات»، از حق تغذیه کودک با شیر مادر سخن به میان آورده‌اند. البته نویسندگان نوشتار حاضر بر این امر قائل هستند که مسئله به همین سادگی نیست، زیرا نظریه منفعت به دو قرائت سنتی و مدرن تقسیم می‌شود که در قرائت سنتی حتماً باید قانونی در این خصوص وجود داشته باشد و در قرائت مدرن معتقدند که صاحبان حق باید افراد مشخص و معینی باشند. دشواری دیگر اینجاست که حق معمولاً با تکلیف همراه است؛ به بیان دیگر، اگر کسی حق را نقض کند، می‌توان از او بازخواست کرد. در این صورت آیا می‌توان مادری را مجازات کرد که حق کودک را اعمال نمی‌کند و افزون بر این، چه کسی می‌تواند علیه مادر اقامه دعوا کند؟^۱ ضمن اینکه ما معتقدیم حق تغذیه کودک با شیر مادر حق مادر نیز است. این امر را می‌توان از تسهیلات و تمهیداتی که دولت‌ها در جوامع خود برای حمایت از مادران شیرده پیش‌بینی کرده‌اند، دریافت. همچنین از دیدگاه پژوهشگران حوزه سلامت، شیردهی مادر سبب ارتقای کیفیت سلامت مادران هم خواهد شد.^۲

همچنین مسئله بعدی آن است که در تقسیم‌بندی انواع حق‌ها که معروف‌ترین آن‌ها از آنِ هوفلد (Hohfeld) است، این حق در کدام دسته قرار می‌گیرد؛ حق - ادعا، حق - آزادی، حق - مصونیت یا حق - قدرت؟ یک راه حل مطرح شده آن است که این حق را زیرمجموعه حق حیات بدانیم. برخی از زیرمجموعه‌های حق حیات شامل حق بر سلامت و حق بر تغذیه هستند.

۱. در این خصوص در قانون مجازات اسلامی ایران ترتیباتی پیش‌بینی شده است که در قسمت بعدی مقاله به آن اشاره خواهد شد.

۲. کاهش وزن اضافی مادر، برگشت اندازه شکم مادر به حالت پیش از بارداری، کاهش خطر سرطان سینه و سرطان تخمدان، کاهش خطر پوکی استخوان و تأخیر در برگشت باروری معمولاً از مهم‌ترین سرفصل‌های ارتقای سلامت مادران در هنگام شیردهی محسوب می‌شوند (توجیه بر اساس نظریه منفعت‌گرا) (tebyan.net).

راه حل دیگر اینکه در میان نسل‌های گوناگون حقوق بشر، نسل دوم که متضمن حقوق افراد بر حداقل‌های معیشتی و سلامت است، دربردارنده و توجیه‌کننده حق تغذیه کودک با شیر مادر به عنوان یکی از مصادیق حقوق رفاهی هم باشد. نسل دوم حقوق بشر مستلزم مداخله و مشارکت مؤثر دولت‌ها در تحقق آن‌هاست. در چارچوب حاضر نیز سیاست‌های حمایتی دولت از زنان شاغل شیرده، از جمله مرخصی پس از زایمان، کاهش ساعات کار، اختصاص زمان‌های مشخص برای شیردهی زنان در طول ساعات کار، اختصاص مکان‌های خاص در میان اماکن عمومی برای شیردهی و... بخشی از این سیاست‌هاست و نیز پیش‌بینی مسئولیت حقوقی برای زنانی که در مواقع ضروری از شیردهی به کودکان خود سرباز می‌زنند.

به هر صورت، ادامه بحث در این حوزه مستلزم طرح مسائل بسیار بیشتر و البته پیچیده‌تر است که طبعاً در حوصله این مقاله نمی‌گنجد.^۱ اما به نظر می‌رسد تلقی از «تغذیه با شیر مادر» به عنوان یک «حق» (اعم از حق مادر یا کودک) - با توضیحات مختصری که پیش‌تر ارائه شد - نمی‌تواند بیره و غیرقابل توجیه باشد؛ ضمن اینکه در چارچوب همین اسناد موجود به خوبی می‌توان در ذیل برخی حقوق اساسی بشری چنان حقی را - اگرچه به صورت غیرمستقیم - نتیجه گرفت.

دیدگاه‌های فمینیستی راجع به تغذیه کودک با شیرمادر

با توجه به رابطه منحصربه‌فرد زنان با شیردهی و تأثیر بالقوه آن در زندگی، فمینیست‌ها و پژوهشگران فمینیستی دیدگاه‌های مفصلی در این زمینه دارند که جای طرح آن‌ها در اینجا نیست، اما در ادامه به صورت مختصر به برخی از آن‌ها اشاره خواهد شد. از نظر اینان یک چالش کلیدی آن است که آیا ترویج تغذیه با شیرمادر، به خصوص با توجه به اشتغال، تحرک و تعامل روزانه زنان در جامعه بر آزادی آنان تأثیر می‌گذارد؟ فمینیسم از یک جنبش اجتماعی

۱. برای مطالعه مفصل در باب مبانی توجیهی و فلسفه حق می‌توان به منابع زیر رجوع کرد:
 - قاری سید فاطمی، سید محمد (۱۳۸۰)، تحلیل مفاهیم کلیدی حقوق بشر معاصر حق، تعهد، آزادی، برابری و عدالت، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۳-۳۴.
 - قاری سید فاطمی، سید محمد (۱۳۸۱)، مبانی توجیهی - اخلاقی حقوق بشر معاصر، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۵-۳۶.
 - والدرون، جرمی (۱۳۷۹)، فلسفه حق، مترجم: محمد راسخ، مجله نامه مفید، شماره ۲۱.
 - راسخ، محمد (۱۳۸۸)، نظریه حق، فصلنامه باروری و ناباروری، شماره ۴.
 - راسخ، محمد (۱۳۸۷)، مقالاتی در فلسفه حقوق، فلسفه حق و فلسفه ارزش، انتشارات طرح نو.

زاده شد و مبارزات طولانی برای رهاسازی زنان از ساختارهای اجتماعی جوامع مردسالار و انتظارات اجتماعی و خانوادگی تحمیل شده بر آنان انجام داد. برای بسیاری از فمینیست‌ها، این ظلم و ستم شامل انتظارات اجتماعی در خصوص پرورش کودکان نیز می‌شود. از آنجایی که تغذیه با شیر مادر نیازمند زمان و دسترسی به پرستاری کودک است، این مسئله به‌عنوان مانع استقلال زنان در کنار برابری دو جنس، مأموریت مرکزی «فمینیسم لیبرال» به‌نظر می‌رسید. به‌علاوه از آنجایی که سازمان بهداشت جهانی توصیه کرده است که تغذیه منحصر با شیر مادر باید برای ۶ ماه انجام شود و سپس با اضافه نمودن غذاهای مکمل برای ۲ سال و بیشتر از آن ادامه یابد، این امر مستلزم دور شدن از مزایای کار برای مدتی طولانی خواهد بود (Deborah, 2008, P.207).

اما اندیشمندانی مانند پنه‌لوپه ون استریلک (Penelope Van Esterik) استدلال کرده‌اند که تغذیه با شیرمادر نباید به‌عنوان یک بار ظالمانه دیده شود. در واقع ون استریلک به‌عنوان یک فمینیست ادعا می‌کند که شیردهی به زنان قدرت می‌دهد و به برابری جنسیتی در شیوه‌های مختلف کمک می‌کند؛ نخست اینکه «قدرت یک زن برای کنترل بدنش» و انتخاب او در این مورد را که چگونه از آن استفاده کند، مورد تأیید قرار می‌دهد. دوم اینکه (در پیوند با نکته اول) تغذیه با شیر مادر نظریه غالب راجع به سینه‌ها به‌عنوان اهداف اولیه جنسی و توسعه دیدگاه جنسیتی نسبت به زنان را به‌خوبی به چالش می‌کشد. شیردهی یک حق باروری است، زیرا یک فرایند بیولوژیکی طبیعی است که پس از زایمان رخ می‌دهد و یک حق مادری است، چون به زنان اجازه می‌دهد که کودک خود را با یک روش بهینه تغذیه کنند (Paige Hall p.13-14, Smith, 2008).

تغذیه با شیر مادر به‌خصوص در طول چند ماه اول زندگی، یک امر حیاتی است. نوزاد شیرخوار ممکن است در زمان‌های نامنظمی گرسنه شود و این مسئله بسیار مهمی برای رشد و نمو مطلوب آن است که قادر به تغذیه شدن در زمان «نیازش» باشد. درحقیقت، تغذیه با شیر مادر اغلب و به‌خصوص در ابتدا کمک می‌کند که مادر به‌عنوان یک منبع کافی شیر باقی بماند. همچنین شیر مادر در مقایسه با فرمول تغذیه کودکان (شیرخشک)، بسیار راحت و سریع هضم می‌شود و تغذیه مکرر کودک را ایجاب می‌نماید.

همچنین مادرانی که بدون توجه به دیگران در ملاءعام اقدام به شیردهی می‌کنند، به‌عنوان افرادی بی‌شرم مورد استهزا قرار می‌گیرند و کسانی ممکن است این عمل را زشت و ناپسند و یا تهدیدی نسبت به عفت عمومی در نظر بگیرند (Joanna R Davis, 2004, p.56-61). متأسفانه این تصور که شیردهی عمل زشت و ناپسندی نیست به‌اندازه کافی در نظام‌های حقوقی مختلف حمایت نشده است. در هر صورت باید توجه داشت به‌خصوص در گذشته جنبش‌های فمینیستی

چالشی جدی بر امر تقویت و ترویج تغذیه با شیر مادر تلقی می‌شدند که به مرور دیدگاه‌های آنان در این زمینه رنگ باخته و جای خود را به حمایت و تضمین آن در نظام‌های حقوقی و اسناد بین‌المللی داده است.

تغذیه کودک با شیر مادر در نظام حقوقی اسلام

۱. تغذیه با شیر مادر به مثابه حق کودک و مادر

در نظام حقوقی اسلام تغذیه با شیر مادر به مثابه حق کودک و نیز مادر مورد توجه قرار گرفته است. از این رو لازم است این موضوع از دو منظر حق کودک و حق مادر بررسی شود.

همان‌طور که گفته شد، شیر مادر به عنوان مهم‌ترین منبع تغذیه کودک در دوره زمانی حداقل ۶ ماه پس از تولد، تأثیر بسزایی در سلامت جسمی و روانی کودک دارد؛ به گونه‌ای که فرد را از بسیاری از مخاطرات که ممکن است در طول زندگی با آن روبرو شود، مصون می‌دارد. در اسلام تغذیه با شیر مادر از جمله حقوق کودک شناخته شده و بر استیفای آن تأکید شده است. بخشی از احکام مربوط به آن در آیه ۲۳۳ سوره بقره آمده است:

«وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بَوْلِدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بَوْلِدِهِ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْتَرْضِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُم بِالْمَعْرُوفِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ». (و مادران اولاد خودشان را دو سال تمام شیر می‌دهند، این برای آن کسی است که بخواهد دوران شیرخوارگی را تکمیل کند. و آن که فرزند برای او زاییده شده [یعنی پدر] نیز لازم است خوراک و پوشاک مادر را به‌طور شایسته فراهم نماید. هیچ‌کس موظف به بیش از مقدار توانایی خود نیست. نه مادر حق ضرر زدن به کودک را دارد و نه پدر. و بر گردن وارث پدر نیز همین وظیفه است (هزینه مادر را در دوران شیرخوارگی تأمین نماید). پس اگر از روی تراضی و مشورت پدر و مادر بخواهند کودک را از شیر بگیرند، باکی بر آنها نیست و اگر بخواهید برای فرزندان دایه بگیرید که آنها را شیر دهند بزه [ای] بر شما نیست به شرط اینکه حق گذشته مادر را به‌طور شایسته بپردازید و از نافرمانی خدا بپرهیزید، به‌درستی که خدا به آنچه انجام می‌دهید بیناست.)

در این آیه مدت شیرخوارگی دو سال تعیین شده است. البته این مدت برای مواردی است که والدین بر تکمیل دوره شیردهی نظر داشته باشند، اما در برخی موارد شرایط ایجاب می‌کند که دوره شیردهی کوتاه شود که در این صورت دوره شیردهی کمتر از دو سال خواهد بود.

از جمله احکام مستفاد از این آیه تکلیف پدر در قبال حق کودک بر تغذیه با شیر مادر است. پدر موظف است هزینه خوراک و پوشاک مادری را که فرزند وی را شیر می‌دهد در حد معمول و شایسته تأمین نماید. در صورتی که پدر فوت کند، وارث وی قائم‌مقام پدر در انجام تکلیف خواهد بود. در این آیه همچنین از شیر گرفتن نوزاد به توافق و مشاوره والدین منوط شده است. شیردهی به فرزند از نظر فیزیولوژیک و عاطفی برای مادر نیز آثار مثبتی دارد؛ از این رو، شیردهی فرزند برای مادر هم یک حق تلقی می‌شود. جنبه حقی شیردهی به این معناست که مادر را نمی‌توان به شیر دادن فرزند مجبور کرد و جز در مواردی که حیات نوزاد به شیردهی وابسته است مادر می‌تواند از شیردهی فرزند خود امتناع ورزد. ماده ۱۱۷۶ قانون مدنی که برگرفته از نظر مشهور فقهای امامیه است، مقرر می‌دارد که مادر مجبور نیست که کودک خود را شیر دهد؛ مگر در صورتی که تغذیه کودک به غیر از شیر مادر ممکن نباشد. در روزهای اول زایمان شیر زردرنگ غلیظی در پستان مادر ترشح می‌شود که آن را «اللِّبَاء» یا «آغوز» می‌نامند. این مایع که در اصطلاح علمی «کلستروم» نامیده می‌شود، برای سلامتی کودک بسیار اهمیت دارد. یافته‌های پزشکی فواید بسیاری را برای این ماده شناسایی کرده‌اند. از این رو، برخی فقها خوراندن آن را بر کودک واجب دانسته‌اند (شهید ثانی، ۱۴۲۵ق، ج ۵، ص ۴۵۸).

از جمله آثار حق شیردهی مادر آن است که مادر می‌تواند برای شیردهی خود مطالبه اجرت نماید. مشهور فقهای امامیه با استناد به آیاتی از قرآن کریم بر استحقاق مادر به اجرت فتوا داده‌اند (شهید ثانی، ۱۴۲۵ق، ج ۵، ص ۴۵۲). در آیه ۶ سوره طلاق آمده است: «فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَاتُرَهُنَّ أَجُورَهُنَّ» (اگر زنان شما حاضر شدند فرزندان را شیر دهند، اجرت ایشان را بپردازید). همچنین آیه ۲۳۳ سوره بقره نیز می‌فرماید: «وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (و بر کسی که فرزند برای او متولد شده است (پدر) خوراک و پوشاک مادران را به طور شایسته بپردازد). شایان ذکر است، آیه ۶ سوره طلاق مربوط به روابط زوجین پس از طلاق است، اما اطلاق آن شامل مواردی که علقه زوجیت باقی است هم می‌شود. چنانچه مادر تمایل به شیردهی فرزند داشته باشد، نسبت به دیگران اولویت دارد و پدر نمی‌تواند کودک را برای شیردهی به زن دیگری بسپارد. این حکم هم مستند به قرآن کریم است. آیه ۲۳۳ سوره بقره می‌فرماید «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ» (مادران فرزندان خود را دو سال تمام شیر دهند). در بخش دیگری از این آیه شریفه آمده است: «لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَالِدِهِ» (هیچ یک از پدر و مادر حق ندارند به کودک ضرر برسانند). با توجه به اینکه منع مادر از شیردهی به فرزند مضر به حال کودک است از ظاهر آیه استفاده می‌شود که سلب این حق جایز نیست. امروزه در صورتی که مادر تمایلی به شیر دادن فرزند نداشته باشد یا شیردهی به فرزند ممکن نباشد، تغذیه کودک از طریق شیر خشک صورت می‌پذیرد. اما در گذشته

شیردهی از طریق دایه صورت می‌پذیرفت که در این صورت، پدر مکلف بود اجرت دایه را بپردازد. هرگاه کودک از غیر مادر نسبی خود شیر بنوشد، در صورت تجمیع شرایطی که در احکام فقهی بیان شده است، بین این کودک و آن زن و فرزندان و شوهر آن زن خویشاوندی رضاعی برقرار می‌شود. این نوع خویشاوندی یکی از موانع نکاح به‌شمار می‌رود (سبحانی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۵۳ و نیز نک: ماده ۱۰۴۶ قانون مدنی).

از جمله مسائلی که با توجه به اقتضات دنیای معاصر در خصوص حق مادران بر شیردهی مورد توجه قرار گرفته است، حمایت از زنان شاغل در دوره شیردهی است. در اسلام اصل آزادی شغل و فعالیت اقتصادی برای زنان به رسمیت شناخته شده و در اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یکی از ضوابط حاکم بر نظام اقتصادی کشور پذیرفته شده است (اصول ۲۰-۲۱ و اطلاق اصل ۲۸). این امر در منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان مصوب پانصد و چهل و ششمین جلسه مورخ ۳۱ شهریور ۱۳۸۳ شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز تأکید شده است. همچنین سیاست‌های کلی خانواده، ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری در شهریور ۱۳۹۵، به‌طور کلی بر تقویت و تشویق خانواده برای پیشبرد اهداف و برنامه‌های کشور در همه عرصه‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و دفاعی با تأکید بر حمایت از نقش مادری زنان، تصریح کرده است (بندهای ۱۱ و ۱۲). با توجه به تزامن حق اشتغال و حق شیردهی، قوانین و مقررات خاصی برای حمایت از مادران شاغل در بخش دولتی و بخش خصوصی وضع گردیده است که برای نمونه می‌توان به قانون ترویج تغذیه با شیر مادر مصوب ۲۲ اسفند ۱۳۷۲ با اصلاحات بعدی، ماده ۷۸ قانون کار مصوب ۱۳۶۹ش و ماده ۶۷ قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴ش اشاره کرد.

۲. تغذیه کودک با شیر مادر در منابع روایی

در متون روایی احادیث متعددی را در خصوص تغذیه با شیر مادر می‌توان یافت. به‌طور کلی، روایات واردشده در این خصوص را می‌توان به سه دسته اصلی تقسیم کرد که عبارت‌اند از: روایات بیان‌کننده منافع و برکات تغذیه با شیرمادر برای نوزاد؛ روایات بیان‌کننده توصیه‌ها و شرایط اخلاقی و جسمانی لازم برای زن شیرده؛ روایات بیان‌کننده پاداش‌ها و برکات اخروی برای زنان شیرده (انصاری، ۱۳۹۲، ص ۳۷۹-۳۷۷). در ادامه به صورت اختصار به مواردی از این روایات اشاره خواهیم کرد:

الف) روایات بیان‌کننده منافع و برکات تغذیه با شیر مادر برای نوزاد

امام علی (ع) فرموده است: «کودک با هیچ شیری تغذیه نمی‌شود که به‌اندازه شیرمادر خویش

مبارک و با برکت باشد» (حرعاملی، ۱۴۱۴ق، ص ۱۷۵). امام صادق (ع) نیز می‌فرماید: «وقتی بچه متولد شد، همان خونی که غذای او بود، اینک با رنگ و بویی غیر از قبل و در شکل غذایی دیگر از پستان مادر سرازیر می‌شود. این غذا برای نوزاد، از همه چیز سازگارتر است» (حرعاملی، ۱۴۱۴ق، ص ۱۷۶). همچنین در روایتی از پیامبر گرامی اسلام (ص) آمده است: «شیری برای کودک بهتر از شیر مادرش نیست» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ص ۱۷۶). امام رضا (ع) نیز فرموده است: «هیچ غذایی برای کودک بهتر از شیر مادرش نیست» (حاج شریفی خوانساری، ۱۳۸۶، ص ۹۸). حضرت امام حسین (ع) در دعای عرفه در مقام برشمردن نعمت‌های الهی، به تغذیه در دوران کودکی اشاره نمود و فرمود: «... و در گهواره که کودکی ناتوان بودم، مرا از هرگونه آسیب و خطر حفظ کردی و از شیر مادر غذایی گوارا روزیم نمودی» (مجلسی، ۱۳۹۵، ص ۲۱۷). از روایات پیش‌گفته چنین استفاده می‌شود که بر اساس اوامر الهی و نوامیس طبیعت، بهترین شیر برای شیرخواران در درجه اول شیر مادر خود آن‌هاست و بازداشتن غیرموجه نوزاد از خوردن شیر مادر ستمی بزرگ در حق کودک است (ولی ابرقویی، ۱۳۹۲، ص ۸۵). در تأیید نکات مطرح‌شده در روایات پیش‌گفته، در تطابق با دانش امروزی می‌توان گفت شیر مادر بهترین و مناسب‌ترین و کامل‌ترین غذا برای کودک است. شیر مادر از لحاظ ترکیبات از هر شیر دیگری بهتر است و حاوی موادی است که برای رشد و سلامت کودک مناسب است. مکیدن شیر از پستان مادر، باعث رضایت خاطر مادر و کودک است. نوزاد برای خارج ساختن شیر از پستان مادر، باید شیر را با همه توانش بمکد و در نتیجه شیر با بزاق دهان آغشته می‌شود و هضم آن بسیار ساده می‌گردد (بهرام محمدیان، ۱۳۸۶، ص ۸۶).

ب) روایات بیان‌کننده توصیه‌ها و شرایط اخلاقی و جسمانی لازم برای زن شیرده

نکته اصلی که در این دسته از روایات تأکید شده، آن است که شیر مادر برای نوزاد از چنان اهمیتی برخوردار است که می‌تواند طبیعت او را تغییر دهد و صفاتی را از فرد شیردهنده به نوزاد منتقل نماید. لذا باید در انتخاب زنی که شیردهی فرزند را برعهده می‌گیرد، احتیاط شود. امام صادق (ع) از حضرت علی (ع) نقل می‌فرماید: «همان‌طور که با دقت نظر انتخاب همسر می‌نمایید، هر شخصی را جهت شیردادن به فرزند خود انتخاب نکنید؛ زیرا چه بسا شیرخوارگی باعث تغییر طبیعت نوزاد گردد» (حرعاملی، ۱۴۱۴ق، ص ۴۵۲). پیامبر اسلام (ص) در این خصوص فرموده است: «از ازدواج با زن سفیه و احمق خودداری کنید؛ زیرا... و فرزند او نیز تباه می‌شود (شیری که از مادر احمق می‌خورد، در او تأثیر منفی دارد)» (نوری، ۱۴۰۸ق، ص ۵۸۳) و یا در جای دیگری می‌فرماید: «مواظب باشید برای شیردادن فرزندانان از زن احمق و کم‌عقل استفاده نکنید. زیرا شیر، کودک را بر همان حال پرورش می‌دهد» (نوری، ۱۴۰۸ق،

ص ۶۲۴) و در جای دیگری نیز فرموده است: «از شیر زنان بدکاره و دیوانه برای فرزندان پرهیز کنید، زیرا شیر اثر خود را می‌گذارد» (انصاری، ۱۳۹۲، ص ۳۷۸). حضرت علی (ع) فرمود: «دقت کنید که چه کسی فرزندان را شیر می‌دهد. زیرا فرزندان با آن شیر رشد می‌کند» (کلینی، ۱۳۸۸، ص ۴۴).

ج) روایات بیان‌کننده پاداش‌ها و برکات اخروی برای زنان شیرده

با توجه به اهمیت تغذیه کودک با شیرمادر، اسلام برای تشویق مادران و تقویت روحیه آنان برای تحمل زحمات احتمالی شیردادن به کودک، ثواب‌های زیادی را مقرر کرده است.

ام سلمه می‌گوید: «از پیامبر اسلام (ص) سؤال کردم بسیاری از پاداش‌ها (در کتاب و سنت) برای مردان ذکر شده. آیا زنان هم از چیزی از این پاداش‌ها نصیبی دارند؟ فرمود آری، هنگامیکه زن باردار می‌شود بسان روزه‌دار شب‌زنده‌داری است که با جان خود در راه خدا جهاد می‌کند و هرگاه وضع حمل کند اجر و پاداشی دارد که کسی از عظمت آن آگاه نیست و هرگاه فرزند خود را شیر دهد، در برابر هر مکیدن نوزاد پاداشی به او دهند که برابر است با آزاد کردن بنده‌ای از فرزندان اسماعیل و هنگامیکه از شیر دادن فرزند خود فارغ شود، فرشته بزرگواری بر پهلویش زند و گوید: اعمال خود را از سر بگیر که خداوند تو را آمرزیده است» (حرعاملی، ۱۴۱۴ق، ص ۴۵۱). در روایتی دیگر، آن حضرت به یکی از زنان صحابه چنین فرمود: «آنگاه که مادر وضع حمل کرد و شروع به شیر دادن نوزاد نمود، در برابر هر مکیدن شیر مادر، در روز قیامت نوری درخشان در برابرش ملاحظه کند و هر کس از گذشتگان و آیندگان آن را مشاهده کند به شگفتی درآید و ثواب شخص روزه‌دار و شب‌زنده‌دار در نامه عملش ثبت گردد... و آنگاه که فرزندش را از شیر گرفت، خدای متعال به او می‌فرماید: ای زن بدان که تمام گناهانت را آمرزیدم، پس عمل خود را از سر بگیر» (انصاری، ۱۳۹۲، ص ۳۷۸). پیامبر خدا (ص) فرمود: «زنان باردار زایای شیرده مهربان، اگر به خاطر آزار رساندن به همسرانشان نبود، هیچ اهل نمازی از آنان وارد جهنم نمی‌شد» (مجلسی، ۱۳۹۵، ص ۱۱۵-۱۱۲).

گفتنی است به لحاظ جسمانی و پزشکی نیز این مسئله اثبات شده است که تغذیه طفل با شیر مادر، سلامت مادر را نیز تأمین می‌کند، زیرا به هنگام شیر دادن جدار رحم که قبل از زایمان منبسط شده بود، شدیداً منقبض شده، بازگشت آن به حالت طبیعی قبل از بارداری سریع‌تر انجام می‌گیرد و نیز احتمال ابتلا به سرطان سینه در این مادران کمتر است. والدین باید توجه داشته باشند که نوزاد شیرخوارشان حقی بس عظیم بر گردن آن‌ها دارد (حاج شریفی خوانساری، ۱۳۸۶، ص ۸۹).

به این ترتیب، اسلام با وقوف کامل بر اهمیت و ضرورت تغذیه کودک با شیر مادر، آن را در کنار حق مادر به منزله یکی از حقوق اساسی طفل تلقی کرده است. در این چارچوب نه تنها در متون روایی، بلکه در بحث‌های علمی برجسته‌ترین فقها نیز این موضوع از جایگاه عمیقی برخوردار است. قانون مجازات اسلامی هم در این راستا برای مادری که به واسطه ترک شیردهی آسیبی جدی به نوزادش وارد کرده، مسئولیت کیفری در نظر گرفته است. لذا تکلیف به شیردهی برای مادر - از دیدگاه ملاحظه این حق به عنوان حق طفل - در برخی مواقع آن قدر دارای اهمیت بوده که قانون‌گذار برای ترک آن، مسئولیت جزایی در نظر گرفته است.^۱

جلوه‌های حمایت از تغذیه کودک با شیر مادر در اسناد بین‌المللی

حقوق بشر

با وصفی که گذشت، تغذیه کودک با شیر مادر را در حال حاضر می‌توان به‌عنوان یک حق بشری شناخت. در نظام بین‌المللی حقوق بشر، اسناد مهم در این خصوص می‌تواند شامل کنوانسیون حمایت از مادران سازمان بین‌المللی کار (MPC)، کنوانسیون ملل متحد راجع به رفع کلیه اشکال تبعیض نژادی علیه زنان مصوب ۱۹۷۹م، کنوانسیون ملل متحد راجع به حقوق کودکان ۱۹۸۹م و نیز اعلامیه اینوچنتی (Innocenti) ۱۹۹۰م باشد.

۱. کنوانسیون حمایت از مادران

همان‌طور که اشاره شد، اولین سند بین‌المللی که به تغذیه با شیر مادر توجه کرد، کنوانسیون حمایت از مادران سازمان بین‌المللی کار (MPC)^۲ مصوب ۱۹۱۹م بود. به‌طور کلی در دوران پس از جنگ جهانی اول اهداف کلیدی در چارچوب سازمان بین‌المللی کار در خصوص زنان

۱. ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی: «هرگاه کسی فعلی که انجام آن را برعهده گرفته یا وظیفه خاصی را که قانون برعهده او گذاشته است، ترک کند و به سبب آن، جنایتی واقع شود، چنانچه توانایی انجام آن فعل را داشته باشد جنایت حاصل به او مستند می‌شود و حسب مورد عمدی، شبه عمدی، یا خطای محض است، مانند این که مادر یا دایه‌ای که شیر دادن را برعهده گرفته است، کودک را شیر ندهد یا پزشک یا پرستار وظیفه قانونی خود را ترک کند».

لازم به تأکید است، پیش‌بینی چنین مسئولیت کیفری برای ترک شیردهی، اصولاً نباید دیگر در حق تلقی کردن تغذیه کودک با شیر مادر، دست‌کم در حقوق داخلی، تردیدی باقی بگذارد. ضمن اینکه موارد متعدد دیگری نیز وجود دارد که می‌توان به‌خوبی از آن‌ها تکلیف به رعایت تغذیه با شیر مادر را استنباط کرد که در قسمت‌های مختلف مقاله به آن‌ها اشاره شده است.

2. Maternity Protection Convention.

عبارت بود از پرداخت دستمزد به زنان کارگر به منظور حفظ زنان کار به دلیل کمبود شدید نیروی کار پس از جنگ، کاهش میزان نرخ بالای مرگومیر مادران به ویژه در میان زنان شاغل در کارخانه‌ها به منظور افزایش رشد جمعیت و اختصاص سرمایه فراوان برای جایگزینی زنان در ارتش (International Labour Office, 1952 (No. 103), and Recommendation, International Labour Organization; 1999). با اینکه از ۱۹۱۹م تاکنون این کنوانسیون دو بار مورد تجدیدنظر قرار گرفته، اصول اساسی و قواعد آن همچنان پابرجا است. مانند دیگر اسناد سازمان بین‌المللی کار، کنوانسیون حمایت از مادران مصوب ۱۹۱۹م، حداقل استانداردها و اجرای سیاست‌های پایدار کار را برای دولت‌ها بیان نموده است. این کنوانسیون حقوقی را برای زنانی که در عرصه صنعت و تجارت فعالیت می‌نمایند، ایجاد کرد؛ از جمله حمایت از مادران از طریق مرخصی زایمان، حق دریافت و استفاده از مزایای پزشکی، ممنوعیت اخراج در طول مرخصی زایمان و حق داشتن وقت استراحت روزانه برای تغذیه با شیر مادر (شیردهی به نوزاد) در طول ساعات کار. کنوانسیون MPC ابتدا در سال ۱۹۵۲م و سپس در سال ۲۰۰۰م برای بار دوم مورد تجدیدنظر قرار گرفت. این کنوانسیون‌ها در برخی مواد با یکدیگر متفاوت‌اند؛ از جمله در خصوص ساعات استراحت برای شیردهی نوزادان و تسهیلات اختصاص یافته به محل کار و مرخصی زایمان، ولی در چارچوب‌های اصلی یکسان‌اند (International Labour Office, law and practice across the world, 2014).

در دهه‌های پس از تصویب این کنوانسیون در سال ۱۹۱۹م، دیدگاه‌هایی شکل گرفت که بیشتر بر اصول عدم تبعیض و برابری زنان با مردان استوار بود و می‌توانست رویکردهای حمایتی بیشتر از زنان را تحت تأثیر قرار دهد. قانون حفاظت از اشتغال از نیمه اول قرن بیستم دوباره بازنگری شد و در برخی موارد لغو گردید. این قانون شامل ممنوعیت کار شبانه زنان، محدود شدن ساعات کار برای زنان و حذف زنان از مشاغل مختلف بر اساس زمینه‌های جنسیتی می‌شد (Ibid). این تغییر رویکرد، در سیاست‌های سازمان بین‌المللی کار نیز منعکس شده بود؛ از جمله در کنوانسیون منع تبعیض (استخدام و اشتغال) مصوب ۱۹۵۸م که حق کارگران بر مبنای جنسیت را نباید به رسمیت شناخت، و اعلامیه برابری فرصت‌ها و رفتارها نسبت به زنان کارگر مصوب ۱۹۷۵م.

اگرچه اقدامات تبعیض‌آمیز علیه زنان کنار گذاشته شد و نیز اقدامات بی‌طرفانه جنسیتی (بدون توجه به جنسیت) در مورد زنان کارگر به‌طور فزاینده‌ای به تصویب رسید، با وجود این، فراهم نمودن حمایت ویژه در دوران بارداری، دوران نقاهت پس از زایمان و تغذیه با شیر مادر (دوران شیردهی) همچنان ادامه یافت و به‌عنوان یک «پیش‌شرط» برای عدم تبعیض و برابری فرصت اشتغال در رویکرد سازمان بین‌المللی کار مورد ملاحظه

قرار می‌گرفت. همان‌طور که گفته شد، در سال ۱۹۵۲م کنوانسیون حمایت از مادران مورد تجدیدنظر قرار گرفت و در آن تصریح شد که دستمزد معافیت‌های پرستاری باید پرداخت شود. اما تصمیم در خصوص تعداد و مدت آن‌ها به قوانین ملی دولت‌ها واگذار شد. یک توصیه دیگر این بود که امکانات برای پرستاری و مراقبت روزانه از منابع تأمین اجتماعی عمومی فراهم شود.

۲. کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان و تحولات مرتبط پس از آن

جدا از اسناد یادشده، حمایت از تغذیه کودک با شیر مادر در چارچوب کنوانسیون سازمان ملل متحد راجع به رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان (CEDAW)^۱ مصوب ۱۹۷۹م نیز به‌نوعی ادامه یافت. بر اساس بند ۲ ماده ۴ کنوانسیون: «همچنین اقدامات ویژه‌ای که از سوی دولت‌های عضو صورت می‌گیرد، از جمله تدابیری که در این کنوانسیون وجود دارد و هدف آن حمایت از ایفای نقش مادری زنان است نباید تبعیض‌آمیز تلقی شود». ضمن اینکه حتی «حق برخورداری از بهداشت و ایمنی شرایط کار از جمله برخورداری از ایمنی و سلامتی برای تولید مثل» باید به رسمیت شناخته شود (ماده ۱۱ بند ۱-و)؛ به این ترتیب، حمایت از مادران در این چارچوب را باید به‌عنوان یک جزء اصلی هدف کلی حمایت کنوانسیون در خصوص تغذیه با شیر مادر شناخت.

از بسیاری جنبه‌ها، مقررات حمایت از زنان و زایمان مطرح‌شده در CEDAW، به مقررات حمایت از مادران در کنوانسیون حمایت از حقوق مادران سازمان بین‌المللی کار که پیش‌تر به آن اشاره شد، نزدیک هستند (Tomasevski K., 1993, p.18). به‌طور خاص، مواد ۱۱ و ۱۲ کنوانسیون بیان می‌دارد که دولت‌ها به ممنوعیت اخراج زنان به دلایل مربوط به بارداری یا مرخصی زایمان، تصویب مرخصی زایمان با حقوق بدون ازدست دادن اشتغال، ارائه مزایای اجتماعی بالا و ترویج توسعه امکانات مراقبت از کودکان مبادرت ورزند که والدین را قادر می‌سازد که مسئولیت‌های مربوط به خانواده و کار را با یکدیگر ترکیب نمایند. با وجود این اقدامات، CEDAW در شناسایی اجزای خاص حقوق مادران ناموفق بوده و تنها به‌طور واضح به «وظیفه تولید مثل» «reproduction» اشاره کرده است.

این امر پیامدهایی را نیز برای حفاظت از تغذیه با شیر مادر به‌دنبال داشته است. به‌طور قابل توجهی، با اینکه سند یادشده اولین معاهده حقوق بشری است که به تغذیه با شیر مادر و یا به‌طور خاص «شیردهی» اشاره می‌کند، اما این امر را نیز شناسایی کرده که این وظیفه زنان،

1. The Convention on the Elimination of all Forms of Discrimination against Women.

نیازمند حفاظت در محل کار از قبیل ایجاد قواعدی برای ارائه وقت استراحت برای شیردهی و امکانات دیگر است (Heitlinger A., 1993, p.11)؛ همچنین شامل مواردی از قبیل شیردهی یا تغذیه با شیر مادر همراه با «بارداری»، «مرخصی زایمان» و «وضعیت تأهل» به عنوان دلایل ممنوعیت اخراج از اشتغال نیست. با توجه به اینکه یکی از اهداف کلیدی کنوانسیون، رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان و تسهیل مشارکت زنان در بازار کار می‌باشد، این یک رویکرد متناقض است.

افزون بر این، در نظر گرفتن حمایت از تغذیه با شیر مادر در محل کار، از جمله معافیت‌های پرستاری روزانه، به طور خاص به عنوان یک جزء اساسی حمایت از حقوق مادران، ۶۰ سال پیش در ۱۹۱۹م به وسیله سازمان بین‌المللی کار به رسمیت شناخته شد. قصور سند CEDAW در پرداختن به تغذیه با شیر مادر به عنوان یک نگرانی مهم در خصوص برابری و اشتغال زنان، یک مسئله غیرقابل پذیرش است.

باید گفت تنها اشاره مستقیم به مسئله تغذیه با شیر مادر در کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان را می‌توان در ماده ۱۲ آن یافت که بیان می‌دارد: «دولت‌های عضو، افزون بر مقررات بند یک این ماده خدمات لازم را برای زنان در دوران بارداری، زایمان و دوران پس از زایمان تأمین نموده... و همچنین در دوران بارداری و شیردهی، تغذیه کافی به آن‌ها خواهند رساند» (بند ۲).

اما چرا در کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، حمایت حداقلی برای تغذیه با شیر مادر دیده می‌شود؟ فرضیات مختلفی وجود دارد که ممکن است کم‌توجهی کنوانسیون به موضوع تغذیه با شیر مادر را توضیح دهد. یک فرضیه این است که CEDAW در اواخر دهه ۱۹۷۰م تنظیم گردید؛ زمانی که جامعه پزشکی از خطرهای بالقوه احتمالی مربوط به تغذیه نوزادان آگاه شد، برای مثال مسئله سوء تغذیه خود مادران. همچنین این نظریه نیز مطرح شده است که بسیاری از اصولی که در معاهدات و اعلامیه‌های پیشین مربوط به زنان مورد اشاره قرار گرفته و در CEDAW گنجانده شده به ارزش‌های اساسی «فمینیسم غربی» «Western feminism» آغشته بودند (Fraser AS, 1987). اهداف اصلی فمینیست لیبرال غربی در دهه ۱۹۷۰م شامل استقلال باروری بیشتر و تعیین سرنوشت از سوی زنان، تأکید بر رفتار برابر در محل کار و حمایت از اصل پرورش بی‌طرفانه کودک بود. تغذیه با شیر مادر این اهداف را به طور بالقوه تضعیف می‌نمود. نخست اینکه در دهه ۱۹۷۰م، با ورود چشمگیر زنان به بازار کار در بسیاری از اقتصادهای پیشرفته، فمینیسم بر مفهوم «هماندی زنان با مردان» (sameness) به جای مفهوم «تفاوت زنان» با کارگران مرد، تمرکز نمودند (Vogel L., 1990, p.26-32). برای سیاست‌گذاران و قانون‌گذاران فمینیستی، تمرکز تاریخی بر مسئله «تفاوت» زنان که بسیاری از

قوانین حمایتی پیشین را توجیه می‌نمود، به‌طور فزاینده‌ای برای زنان هزینه‌بر به‌نظر می‌رسید (Blum LM. , 1993, p.291-311).

دوم، در یک سطح استراتژیک، تغذیه با شیر مادر به‌طور جدایی‌ناپذیری با مفاهیم سنتی مسئولیت زنان در برابر فرزندان گره خورد و در پیوند با این امر، مسئله زایمان آن‌ها در قلمرو خصوصی خانه و خانواده مورد توجه قرار گرفت. تأکید بر تغذیه با شیر مادر به‌طور بالقوه، اتفاق نظری را که راجع به اهمیت اصل تربیت بی‌طرفانه فرزندان در خانواده و سیاست اشتغال (استخدام) وجود داشت، تضعیف می‌کرد (Galtry J, 2000, p.295-317). برای مثال، ماده ۵ کنوانسیون بر ضرورت حفظ «آگاهی از زایمان (مادری)» به‌عنوان یک «وظیفه اجتماعی» «function Social» تأکید می‌نماید؛ درحالی که این مسئله را نیز شناسایی می‌کند که نگهداری از کودکان «یک مسئولیت مشترک میان زنان و مردان» است (بند ۵- b).

روند رو به گسترش سکس از طریق سینه نیز می‌تواند یکی دیگر از رویکردهای خصمانه نسبت به تغذیه با شیر مادر باشد و البته همچنان نیز هست (Paige Hall Smith, 2008, p.13). به این ترتیب، همه این موارد در مجموع شاید مشخص کنند که چرا کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان رویکرد حداقلی نسبت به حمایت از تغذیه کودک با شیر مادر را اعمال نموده است.

از زمان تصویب کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان در سال ۱۹۷۹م، تحولات گسترده‌ای به‌وجود آمده که دارای ارتباط بالقوه‌ای با مسئله تغذیه با شیر مادر است. در سال ۱۹۹۹م، کمیته رفع تبعیض علیه زنان که وظیفه نظارت بر اجرای کنوانسیون را برعهده دارد، تفسیری را راجع به الزامات CEDAW در خصوص ماده ۱۲ در مورد زنان و بهداشت صادر نمود که به‌عنوان یک توصیه عمومی «General Comment» به‌تصویب رسید. این تفسیر چنین بیان می‌دارد:

دولت‌های عضو باید درک خود را از چگونگی سیاست‌ها و تدابیر لازم در مراقبت‌های بهداشتی که به حقوق بهداشتی زنان از منظر نیازها و منافع زنان و چگونگی مورد توجه قرار دادن ویژگی‌های مختلف آن و معیارهایی که برای زنان در مقایسه با مردان متفاوت است، گزارش دهند؛ برای نمونه:

«الف) معیارهای زیستی که برای زنان در مقایسه با مردان متفاوت است، مانند چرخه قاعدگی، عمل باروری و یائسگی آن‌ها، شیردهی...» (Committee on the Elimination of Discrimination against Women, 1999).

به هر روی، کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان به‌عنوان مهم‌ترین سند حمایتی زنان در عرصه بین‌المللی اگرچه بیان روشن و حمایت حداکثری از مقوله شیردهی زنان و حق

بر آن نداشته است، چنان که از مفاد آن برمی آید در بحث زنان شاغل و مقولاتی چون دوران بارداری، زایمان و دوران پس از زایمان ترتیباتی را به منظور حمایت از این مقوله پیش بینی کرده است که گرچه لازم و ضروری اند، اما به هیچ وجه کافی نیستند.

۳. اعلامیه اینوچنتی و برنامه اقدام پکن

اعلامیه اینوچنتی^۱ سازمان بهداشت جهانی و یونیسف راجع به حفاظت، ترویج و حمایت از تغذیه با شیر مادر نیز در سال ۱۹۹۰م به امضا رسید و به نوعی می شود گفت اولین سند خاص در این زمینه بوده است. این سند، هرچند غیرالزام آور، به دفاع از تغذیه با شیر مادر به عنوان یک «حق» برای زنان پرداخت؛ اگرچه استفاده از اصطلاحات «حقوق» به بافت شغلی محدود گردید (Innocenti declaration on the protection, promotion and support of breastfeeding, 1990). افزون بر این، در سال ۱۹۹۵م، اعلامیه پکن و برنامه اقدام (که از چهارمین کنفرانس جهانی زنان خارج شد)، تمرکز قوی بر تغذیه با شیر مادر داشت. این سند از دولت‌ها می خواهد در خصوص ترویج تغذیه با شیر مادر؛ اجرای کامل کد بین‌المللی بازاریابی برای جایگزین نمودن شیر مادر (به جای تغذیه مصنوعی نوزادان)؛ «قادر ساختن مادران برای شیردهی به نوزادانشان با ارائه حمایت‌های قانونی، اقتصادی، کاربردی و احساسی» (بند ۱۰۶-۲)؛ از بین بردن اعمال تبعیض آمیز از سوی کارفرمایان و اتخاذ اقدامات مناسب با در نظر گرفتن نقش و عملکرد باروری زنان مانند محرومیت از اشتغال و اخراج به دلیل بارداری یا شیردهی (بند ۱۰۶-۱) و «ارتقای تسهیلات شیردهی برای مادران شاغل» (بند ۱۷۹-۱) با ذی‌نفعان کلیدی ملی و بین‌المللی به همکاری بپردازند. این اعلامیه همچنین از تمامی کشورها می خواهد که به ۲ کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان و کنوانسیون حقوق کودک ملحق شوند. این تمرکز موفق بر تغذیه با شیر مادر در پکن، احتمالاً با تلاش‌های گسترده لابی گروه‌های برجسته حامی تغذیه با شیر مادر مرتبط بود. با وجود این تأکیدها بر تغذیه با شیر مادر، اعلامیه پکن - همچون اعلامیه اینوچنتی - مانند CEDAW و CRC، وضعیت الزام‌آوری حقوقی ندارد.

۱. در سال ۱۹۹۰م سیاست‌گذاران یونیسف (UNICEF) و سازمان جهانی بهداشت (WHO)، دو نهاد کودکان و سلامت سازمان ملل متحد، با همکاری دو کشور آمریکا و سوئد، از ۷ تا ۱۰ مرداد جلسه‌هایی را در محلی به نام اسپدال دگلی اینوچنتی (Spedale degli innocenti) ایتالیا تشکیل دادند تا برای تغذیه کودک با شیر مادر اصول و استانداردهای جهانی تنظیم کنند. نتیجه این گردهمایی صدور اعلامیه‌ای بود که به نام محل برگزاری این گردهمایی، به «اعلامیه اینوچنتی» (Innocenti declaration) مشهور شده است. این اعلامیه از دولت‌های کشورهای جهان خواسته است که به هدف‌ها و برنامه‌های این اعلامیه توجه کنند.

۴. کنوانسیون حقوق کودک

نزدیک به یک دهه پس از تصویب کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، کنوانسیون سازمان ملل متحد راجع به حقوق کودک (CRC)^۱ در سال ۱۹۸۹م به تصویب رسید و در سال ۱۹۹۰م اجرایی شد. کنوانسیون حقوق کودک نیز مانند سند CEDAW، یک معاهده الزام‌آور است.

مقررات مختلف CRC عموماً به‌طور غیرمستقیم به مسئله تغذیه با شیر مادر اشاره کرده‌اند. این موارد می‌توانند عبارت باشند از: حق کودک نسبت به زندگی با بالاترین استانداردهای قابل حصول سلامت و دسترسی به مواد غذایی مغذی کافی، حق مادر به مراقبت‌های پیش و پس از زایمان، حق والدین به اتخاذ اقداماتی که در انجام مسئولیت‌های شغلی و خانوادگی آن‌ها را یاری نماید و نیز در نظر گرفتن بهترین منافع کودک به‌عنوان اصل اساسی. تنها اشاره مستقیم به تغذیه با شیرمادر در ماده ۲۴ (بند ۲- e) است که می‌گوید: «تضمین اینکه تمام اقشار جامعه خصوصاً والدین و کودکان از مزایای تغذیه شیر مادر، بهداشت و بهداشت محیط زیست و پیشگیری از حوادث آگاهی داشته، به آموزش دسترسی داشته باشند و بدانند که در زمینه استفاده از اطلاعات اولیه بهداشت کودک و تغذیه حمایت می‌شوند». همچنین در تفاسیر بعدی ارائه‌شده از سوی کمیته حقوق کودکان - ناظر بر اجرای کنوانسیون - در میان نگرانی‌های راجع به بازار جهانی رو به رشد و کنترل نشده فرمول تغذیه نوزادان (شیرخشک)، همواره بر تغذیه کودک با شیر مادر تأکید شده است (IBFAN (International Baby Food Action Network).

در سال ۲۰۱۳م، کمیته یادشده یک توصیه عمومی راجع به ماده ۲۴ در خصوص «حق کودک به برخورداری از بالاترین سطح استاندارد قابل حصول سلامت» صادر نمود (Committee on the Rights of the Child, General comment No. 15, 2013) که در آن به بسیاری از جنبه‌های تغذیه با شیر مادر توجه شده است؛ از جمله حمایت از توصیه جهانی برای ۶ ماه تغذیه منحصربه‌فرد با شیر مادر در کنار مکمل‌های غذایی مناسب ترجیحاً تا دو سال، ابتکار عمل بیمارستان دوستدار کودک، قانون‌گذاری بر اساس کد بین‌المللی بازاریابی جانشین‌سازی شیر مادر و قطعنامه‌های مربوطه مجمع بهداشت جهانی، نیاز به حفظ حمایت از تغذیه با شیر مادر در اشتغال و مراقبت از کودکان از جمله انطباق با کنوانسیون حفاظت از مادران سازمان بین‌المللی کار در سال ۲۰۰۰م.

همچنین کمیته در سال ۲۰۱۳م، یک توصیه عمومی را راجع به تعهدات دولت‌ها در مورد

1. Convention on the Rights of the Child.

تأثیر بخش کسب و کار بر حقوق کودکان صادر کرد. این توصیه همراه بود با تأکید بر لزوم انطباق کسب و کار با کدهای WHO، نیاز دولت‌ها به ایجاد شرایط اشتغال در درون شرکت‌های تجاری که به والدین و سرپرستان شاغل کمک می‌کند تا مسئولیت‌های خود را نسبت به کودکان تحت مراقبت خود انجام دهند، بحث مرخصی والدین و حمایت و تسهیل تغذیه با شیر مادر (Committee on the Rights of the Child. General comment No. 16) (2013, p.15). در واقع، چنان‌که شاهد هستیم در چارچوب CRC (هم در متن کنوانسیون و هم در تفاسیر بعدی آن)، نسبت به سند CEDAW، تأکید بیشتری بر تغذیه با شیر مادر وجود دارد.

در مجموع، اگرچه نه به صورت مستقیم، اما شاهد پیشرفت‌های خوبی در خصوص حق تغذیه با شیر مادر بوده‌ایم. با وجود تمرکز حداقلی کنوانسیون‌های اشاره‌شده، به‌ویژه کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان بر تغذیه با شیر مادر، این کنوانسیون‌ها گاهی به صورت یک سند بین‌المللی مهم برای ارائه راهنمایی در حمایت از تغذیه با شیر مادر به‌عنوان یک حق انسانی مورد استناد قرار گرفته‌اند (UNICEF. A, Human Rights Approach to UNICEF Programming for Children and Women, 1998, p.17-18). به این ترتیب، می‌توان گفت: «نوزادان حق دارند که با شیر مادر تغذیه شوند، و نیز هیچ‌کس نمی‌تواند در حق مادران نسبت به شیردهی به نوزادانشان، مداخله کند» (Kent G, 2006, p.27).

استراتژی جهانی تغذیه نوزادان و کودکان (اعلامیه اینوچنتی) که به صورت مشترک از سوی سازمان بهداشت جهانی و یونیسف صادر شده است، با وجود ماهیت غیرالزام‌آور آن، نشان‌دهنده یک طرح بالقوه مهم برای تقویت حقوق بشر در پرداختن به تغذیه با شیر مادر است. در این اعلامیه به تغذیه با شیر مادر به‌صراحت به‌عنوان یک حق، فراتر از آنچه در زمینه اشتغال مورد بحث قرار گرفته، توجه نشده است؛ اگرچه این مسئله به‌طور واضح بیان شده که دسترسی به تغذیه مناسب و بالاترین استاندارد سلامتی قابل دسترس، یک موضوع حقوق بشری است که به مادران و کودکان، با هم مربوط می‌شود و طرح اجرای آن به صورت مستقیم شامل سیاست‌هایی است که حامی تغذیه با شیر مادر می‌باشد که تحقق این حقوق قابل حصول را فراهم می‌نماید.

نتیجه

چنان‌که گفته شد، تغذیه کودکان با شیر مادر دارای اهمیت فراوانی است. این اهمیت نه‌فقط برای شش‌ماهه نخست پس از تولد، بلکه بر اساس پژوهش‌های حوزه سلامت، برای تمام دوران زندگی است؛ به‌ویژه از نظر ایمن‌سازی افراد در برابر برخی بیماری‌ها. لذا اگر معیار حق بودن،

انسان و سلامت و کامیابی او باشد، بی شک تغذیه با شیر مادر در آغازین ماه‌های زندگی نیز حقی بشری است. به این ترتیب، نادیده انگاشتن اصول و موازینی که سبب ضعف جسمانی و عامل بیماری‌های انسان است، به طور قطع نقض حق تلقی خواهد شد. بررسی نظام‌های حقوقی مختلف به‌ویژه نظام بین‌المللی حقوق بشر نشان می‌دهد، با وجود اثبات ضرورت تغذیه با شیر مادر برای کودکان و خردسالان، در هیچ کجای نظام‌های یادشده صحبتی از این نوع تغذیه به‌عنوان یک حق مستقل، چه برای کودک و چه برای مادر به‌میان نیامده است. البته این گفته به آن معنا نیست که این نظام‌ها از اهمیت موضوع غافل بوده‌اند. چنان‌که گذشت، هم در نظام حقوقی اسلام و هم در اسناد بین‌المللی مرتبط، موازین حمایتی مؤثری برای تغذیه کودکان با شیر مادر، به‌خصوص در حوزه اشتغال زنان و مادران پیش‌بینی شده است؛ برای مثال اعطای مرخصی زایمان و پس از آن حق داشتن وقت استراحت روزانه برای شیردهی به نوزاد در طول ساعات کار یا کاهش ساعات کار روزانه برای زنان شیرده و یا تضمین اطلاع‌رسانی به تمام اقشار جامعه از مزایای تغذیه با شیر مادر و حق کودک به برخورداری از بالاترین سطح استاندارد قابل حصول سلامت. همچنین وجوب مادر به شیردهی نوزاد هنگامی که ترک آن به نوزاد آسیب می‌رساند و جرم‌انگاری ترک شیردهی در چنین مواقعی. با وجود این، چنین حمایت‌هایی به‌تنهایی کافی نیست و پیشنهاد می‌شود در چارچوب اسناد حقوقی الزام‌آور مصوب از سوی دولت‌ها و نیز در عرصه قانون‌گذاری داخلی، بر تغذیه کودکان با شیر مادر به‌عنوان یک «حق» تصریح شود تا از این رهگذر زمینه دسترسی کودکان و نوزادان به بالاترین حد استانداردهای تغذیه و سلامت که در تمام نظام‌های حقوقی داخلی و بین‌المللی نیز تأکید شده است، به شکل مؤثرتری فراهم گردد. ضمن اینکه چنین اقدامی در وادار کردن مستقیم دولت‌ها برای ورود به حوزه حمایتی ویژه خردسالان و مادران نقش‌آفرین بوده، تا حد زیادی جبران‌کننده غفلت احتمالی آنان نیز خواهد بود. هرچند سازوکارهای موجود- چنان‌که گفته شد- چه از طریق میثاقین بین‌المللی حقوق مدنی سیاسی و حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی، چه از طریق کنوانسیون رفع هرگونه اشکال تبعیض علیه زنان، چه از طریق برخی مقاوله‌نامه‌های سازمان بین‌المللی کار و چه از طریق کنوانسیون حقوق کودک، دولت‌ها را به اتخاذ اقدامات و تمهیدات مقتضی برای حمایت از مادر، کودک و به‌نوعی حق بر شیردهی آنان ملزم می‌نماید، بدیهی است در این چارچوب، حمایت از این حق می‌تواند به‌مثابه حق حیات، حق تغذیه و حق بر سلامت دارای ماهیت الزام‌آوری و در پی آن ضمانت اجرا باشد. ضمانت اجرایی هرچند هم ضعیف، می‌تواند از طریق کمیته حقوق بشر میثاقین حقوق مدنی سیاسی و حقوق اقتصادی،

۱. لازم به تأکید است، در حال حاضر حجم بالایی از دولت‌ها به عضویت اسناد یادشده درآمده‌اند و می‌بایست به مفاد آن پایبند باشند.

اجتماعی و فرهنگی و شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد (در سطح جهانی) و برخی سازوکارهای منطقه‌ای حمایت از حقوق بشر (در سطح منطقه‌ای) کارگر باشد.

منابع و مآخذ

الف) فارسی و عربی

کتاب‌ها

۱. انصاری، قدرت‌الله (۱۳۹۲)، احکام و حقوق کودکان در اسلام، ج ۱، چ ۱، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم‌السلام.
۲. برکاتی، سیدحامد؛ سعدوندیان، سوسن؛ علایی، شهناز؛ فریور، مریم؛ همایونفر، نسرین (۱۳۹۰)، راهنمای مادران برای تغذیه با شیرمادر، پاسخ به سؤالات رایج مادران، زیر نظر محمداسماعیل مطلق، چ ۱، تهران: وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی - یونیسف.
۳. بهرام محمدیان، محی‌الدین (۱۳۸۶)، نگاهی دیگر به حقوق فرزندان از دیدگاه اسلام، چ ۳، تهران: انجمن اولیا و مربیان.
۴. حاج شریفی خوانساری، محمدرضا (۱۳۸۶)، حقوق فرزند بر والدین از نگاه اسلام، چ ۱، قم: بنی‌الزهر (ع).
۵. حر عاملی، محمدبن حسن (۱۴۱۴ق)، وسائل الشیعه، چ ۲، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، به نقل از: حاج شریفی خوانساری، محمدرضا (۱۳۸۶)، حقوق فرزند بر والدین از نگاه اسلام، چ ۱، قم: بنی‌الزهر (ع).
۶. خمینی، روح‌الله (۱۳۷۹)، تحریرالوسیله، ج ۲، قم: دارالعلم، به نقل از محی‌الدین بهرام محمدیان (۱۳۸۶)، نگاهی دیگر به حقوق فرزندان از دیدگاه اسلام، چ ۳، تهران: انجمن اولیا و مربیان.
۷. راسخ، محمد (۱۳۸۷)، مقالاتی در فلسفه حقوق، فلسفه حق و فلسفه ارزش، تهران: انتشارات طرح نو.
۸. زین‌الدین بن احمد بن علی جبعی عاملی (شهید ثانی) (۱۴۲۵ق)، الروضه البهیة فی شرح اللمعه دمشقیة (حاشیة کلانتر - ویکی فقه)، ج ۵، قم.
۹. سبحانی، جعفر (۱۳۷۵)، نظام النکاح فی الشریعه الغراء، قم: مؤسسه امام صادق (ع).
۱۰. فیض، جواد (۱۳۸۹)، تغذیه کودک من، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۱. قائمی، علی (۱۳۹۰)، نقش مادر در تربیت، چ ۱، مشهد: هاتف.

۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۸)، فروع کافی، ج ۱، چ ۳، ترجمه گروهی از مترجمان تحت اشراف محمدحسین رحیمیان، قم: قدس، به نقل از: ولی ابرقویی، روح‌الله (۱۳۹۲)، کودک‌نامه (فرهنگ الفبایی تربیت فرزند در سیره اهل بیت علیهم‌السلام)، چ ۱، قم: انتشارات مشهور.
۱۳. مجلسی، علامه محمدباقر (۱۳۹۵)، بحارالأنوار، ج ۲۲، چ ۲، بیروت: مؤسسه الوفاء، به نقل از قدرت‌الله انصاری، همان منبع.
۱۴. ----- (۱۳۸۸)، حلیه‌المتقین، به تحقیق و ویرایش واحد پژوهش انتشارات مسجد مقدس جمکران، چ ۲، قم: مسجد جمکران، به نقل از: محی‌الدین بهرام محمدیان، همان منبع.
۱۵. محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۸۹)، میزان الحکمه، ج ۴، مترجم: حمیدرضا شیخی، قم: دارالحدیث.
۱۶. نوری، حسین بن محمدتقی (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۲، به تحقیق مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام لإحياء الأثر، چ ۱، بیروت: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام لإحياء الأثر، به نقل از قدرت‌الله انصاری، همان منبع.
۱۷. ولی ابرقویی، روح‌الله (۱۳۹۲)، کودک‌نامه (فرهنگ الفبایی تربیت فرزند در سیره اهل بیت(ع)، قم: انتشارات مشهور.

مقاله‌ها

۱۸. ابدی، سعیدرضا و ادریسیان، حامد (۱۳۹۵)، مطالعه‌ای تطبیقی در ساختار و نظام دادرسی کار ایران و برخی کشورهای اروپایی، مجله مطالعات حقوق تطبیقی دانشگاه تهران، ش ۲، دوره ۷، ص ۴۰۳-۳۸۵.
۱۹. افشار قوچانی، زهره و ایزانلو، محسن (۱۳۹۳)، مطالعه تطبیقی امکان مطالبه زیان ناشی از تولد و زندگی و ارکان مسئولیت در آن، مجله مطالعات حقوق تطبیقی دانشگاه تهران، ش ۱، دوره ۵، ص ۳۵-۲۱.
۲۰. قاری سید فاطمی، سید محمد (۱۳۸۱)، مبانی توجیهی - اخلاقی حقوق بشر معاصر، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۳۵-۳۶، ص ۱۹۲-۱۱۱.

ب) انگلیسی

Books & Articles

21. Blum LM.(1993), Mothers, babies, and breastfeeding in late capitalist America: the shifting contexts of feminist theory. Fem Stud.

22. Clark D.(1998), Breastfeeding, women and work: from human rights to creative solutions. Paper presented at the World Alliance for Breastfeeding Action's International Workshop on Women, Work and Breastfeeding. Quezon City, Manila; 1-5 June.
23. Deborah McCarter-Spaulding,(2008), «Is Breastfeeding Fair? Tensions in Feminist Perspectives on Breastfeeding and the Family», 24 J Hum Lact, p.12-24.
24. Fraser AS.(1987), The U.N. Decade for Women: documents and dialogue, Westview Special Studies on Women in Contemporary Society. Boulder and London: Westview Press.
25. Galtry J.(2000), Extending the 'bright line': feminism, breastfeeding and the workplace in the United States. Gender Soc.
26. Heitlinger A.(1993), Women's Equality, Demography and Public Policies. Britain: MacMillan Press/New York: St. Martin's Press.
27. Joanna R Davis,(2004), «Bad Breast-Feeders/Good Mothers: Constructing the Maternal Body in Public» , 48 Berkeley J Social 50, pp.31-43.
28. Kent G.(2006), Child feeding and human rights. Int Breastfeed J, p.1-10.
29. Labbok MH.(2001), Effects of breastfeeding on the mother. Pediatr Clin North Am.
30. Michele Acker,(2009), «Breast is Best... But Not Everywhere: Ambivalent Sexism and Attitudes toward Private and Public Breastfeeding» , 61:7/8 Sex Roles.
31. Paige Hall Smith,(2008), «Is It Just So My Right?' Women Repossessing Breastfeeding» , 3 Int Breastfeed J 1, p.13-19.
32. Tomasevski K.(2015), Women and Human Rights. London, New Jersey: Zed Books.
33. UNICEF.(1998), A Human Rights Approach to UNICEF Programming for Children and Women: What it is, and Some Changes it will Bring. New York: UNICEF; Kent G. Women's rights to breastfeed vs. infants' rights to be breastfed. SCN News (United Nations Sub-Committee on Nutrition).
34. Vogel L.(1990), Debating difference: feminism, pregnancy, and the workplace. Fem Stud.

Documents

35. Innocenti declaration on the protection, promotion and support of breastfeeding. Breastfeeding in the 1990s: a global initiative.(1990), Adopted by the WHO/UNICEF Policy Makers' Conference, Florence, Italy.
36. Committee on the Rights of the Child. General comment No. 15 (2013) on the right of the child to the enjoyment of the highest attainable standard of health (art. 24), Adopted by the Committee at its sixty-second session.
37. Convention on the Rights of the Child. 17 April (2013). Committee on the Rights of the Child. General comment No. 16 (2013) on State obligations regarding the impact of the business sector on children's rights, Adopted by the Committee at its sixty-second session.
38. International Labour Office. Report V(1).(1952), Maternity protection at work. Revision of the Maternity Protection Convention (Revised), 1952 (No. 103), and

- Recommendation, (No. 95). Fifth item on the agenda. Geneva.
39. International Labour Office.(2014), Maternity and paternity at work: law and practice across the world. Geneva: International Labour Organization.
40. Committee on the Elimination of Discrimination against Women. General recommendations made by the Committee on the Elimination of Discrimination against Women.(1999), Twentieth Session of the Committee on the Elimination of Discrimination against Women in www.un.org.